

چون ممکن است در مسئله تقویم کثیرا که در ماده اول قانون مالیات مصوبه ششم شهر جاری مشکلاتی پیش آمده و بین مأمورین گمرک و صاحبان مال مطابقت حاصل نشود لازم است ماده مذکور بطوری نوشته شود که صاحبان کثیرا یا مأمورین مجاز باشند که مالیات را از عین جنس بپردازند لهذا این ماده واحده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می‌کنم که در صورت تصویب بقانون مذکور ضمیمه شود.

ماده الحاقیه - در صورتی که در قیمت کثیرا در موقع خروج از رحدبین مأمورین گمرک و صاحبان مال موافقت حاصل نشود باید از عین مال صدی چهارم دریافت شود.

رئیس - بکمیسیون مبتکرات ارسال می‌شود و تمنا می‌شود که زودتر تکلیفش را معین نمایند. آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - بنده سؤالی از آقای وزیر عدلیه داشتم چند جلسه است تشریف نمی‌آورند.

رئیس - وزیر عدلیه یک چیزی نوشته اند طبع هم شده است.

شیخ الاسلام - طبعش را بنده خبر ندارم.

رئیس - جلسه آتیه روز سه شنبه چهار ساعت بظهر مانده و دستور از قرار است که عرض می‌شود.

اولاً راپورت کمیسیون مبتکرات راجع بانتراع ابرقو از حکومت اصفهان و الحاق به یزد.

ثانیاً راپورت کمیسیون مبتکرات راجع بعمد اعتبار قرضه و وضع مالیات بدون تصویب مجلس.

ثالثاً یک فقره دیگر راپورت کمیسیون مبتکرات راجع بمعرومیت متوسلین بمتابع خارجی از حقوق مدنی.

رابعاً - بقیه شور اول در قانون استخدام کسری کمیسیون هارام که مدتی است باید معین شود خواهشمندم در جلسه سه شنبه معین بفرمائید.

کسر اعضاء کمیسیون رسیدگی به تقاضای اهالی ارومیه هم در موقع تنفس انتخاب شده ولی چون عده کافی نبوده آن رای باطل است پنج نفر بقیه را باید روز سه شنبه انتخاب بفرمائید.

مجلس تقریباً یکساعت بعد از ظهر ختم شد.

جلسه ۱۱۴

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه یازدهم ذیحجه ۱۳۴۰ مطابق بیستم سرطان سنه ۱۳۰۱ مجلس سه ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای موتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه هیجدهم سرطان آقای منتصر الملک قرائت نمودند رئیس - نسبت بصورت جلسه آقایان ملاحظاتی ندارند؟

احتشام الدوله - بنده در جلسه یکشنبه مریض بودم شرحی بمقام ریاست عرض کردم رئیس - الان رسیده صورت جلسه تصویب شد یک فقره تقاضا از ظرف دولت مشعر بواگذاری یک هراذ ذرع از اراضی باثره کرمان بقبرستان مسیحیان رسیده ارسال می‌شود بکمیسیون بودجه اظهاراتی که آقای معتمدالتجار راجع به اوضاع آذربایجان داشتند و بنا بود در جلسه امروز اظهار فرمایند اگر مغالفی نباشد اظهار فرمایند

مغالفتی نشد رئیس خطاب به آقای معتمدالتجار بفرمائید

معتمدالتجار - بنده در اول ورود به مجلس لایحه از اوضاع گذشته و حالیه آذربایجان تهیه کرده بودم و بنا بود در ابتدای ورود به عرض آقایان برسانم چون وقت نشد حالا با اجازه حضرت آقای رئیس بمرض میرسانم در این موقع که بافتخار نمایندگی آذربایجان و شرکت در امور اجتماعیه و ایفا وظیفه باین مقام محترم تشریف حاصل کرده و بدینک فیض حضور بر گزیدگان ملت نائل شده‌ام نظر به پاره اظهارات بی اساس و خالی از حقیقت که در این مقام عالی نسبت به فقید شهید مرحوم خیابانی و تجدید یون تبریز شده است و باعث تولید سوء تفاهات و یک جمعیت فدا گاه ایرانی را که بغیر از تمالی و ترقی مملکت و حفظ استقلال و سعادت وطن خود مدغان نظر دیگری نداشته اند متهم کرده اند این محض رفع هر گونه سوء تفاهم و اطمینان خاطر آقایان نمایندگان و افکار عامه لازم می‌دانم باره توضیحات راجع بقضیه قیامی که در دو سال و چند ماه قبل در شهر تبریز رخ داده است عرض و بادلائل بی اساس و خالی از حقیقت بودن آن اظهارات را عرض و بنوبت خود دفاع نمایم بلی آقایان نمایندگان محترم فقید معتمد فقید شهید آقا شیخ محمد خیابانی و هم بستکان او باجمعی از آزادیخواهان دو سال و چند ماه قبل قیامی در تبریز کردند برای چه میخواستیم به آقایان مدلل و ثابت کنیم که این قیام و نهضت برضد آن ادوار فترت که هزاران مظالم و فجاجیع را مرتکب می‌شدند لازم و واجب بود و اگر هلاقمندان مملکت و آزادی بیش از آن ساکت و خاموش می‌نشستند خیانت به ناموس مملکت و آزادی نموده و حیات سیاسی ایران بیرنگاهای خطرناک و مغوف میافتاد که نجات و استخلاص ایران از آن یرنگاهای عینی خبیلی صعب و مشکل بنظر می‌آید پس

لازم بود که یک قیام عمومی و نهضت اجتماعی برضد آن عملیات خائنانه ایران خفه کن بشود.

برای روشن کردن مسئله قیام تجدید یون تبریز که ضروری و واجب بود می‌خواهم یک عطف توجه مختصری بهشت سال قبل نموده و تاریخچه از عملیات کابینه‌های وقت را نسبت بایران هموماً و نسبت بآذربایجان خصوصاً عرض نمایم پس از آنکه دوره بربریت و وحشت صمد خان شجاع الدوله مرافقه که بنیان حکومتش با قتل هزاران نفوس ذکیه آزاد بخواد و با سرنیزه قوای رژیم تزاری روس تحکیم و استوار گردید بود سیری شد آذربایجان و تبریز خصوصاً آزادیخواهان این ایالت مهم انتظار داشتند که مرکز مملکت عطف توجه مخصوصی بآنجا کرده مرهمی بر جراحات این ایالت بدبخت و اهالی آن بگذارد و در اصلاح خرابی‌های چند ساله اقدام عملی نماید مع التأسف برخلاف انتظار و برخلاف آرزو و آمال و چشم داشتها که از مرکز داشتند دیدند که اتصال دسته‌های خائن و مرتجع و منفعت پرست با کیسه‌های خالی بسمت مأموریت‌های مهمه مانند مور و ملخ از مرکز اعزام و عوض اصلاح بر خرابی‌های این ایالت مهم بدبخت افزودند و والی‌ها حکومت‌های جزو را در مقابل دراهم بهس باشخاص نالایق و ظالم فروختند (این جا لازم است عرض کنم که آقای حاج مخبر السلطنه مقامشان منزله از این است که از کسی پول بگیرند و باو حکومت بدهند) و آنها هم ده مقابل آن تقدیمی‌ها را از اهالی و رهابای بدبخت بمنابین مختلفه گرفتند پیشکاران مالیه بیت‌المال مملکت را ملک طلق خود دانسته همه نوع تصرفات کرده مالیه مملکت را فلج نموده کرورها مال دولت و ملت را در مقابل مختصر دخل تفریط کرده امتنای مالیه هم تاسی بر رؤساشان نموده در ولایات و بلوکات همه نوع تمذیات و اجحافات بزارعیز و رنجبرهای فلک زده که صاحبان حقیقی این مملکت هستند کرده دعات را لم بزرع و خراب و سکنه آنها از تمذیات مأمورین مالیه و حکام بگوها و بیابانها و قصبات و شهرها متواری و سائل بکف هستند و اگر روسیه حال سابق را داشت قطعاً نصف بیشتر اهالی آذربایجان از این تمذیات مهاجرت کرده و فراری بآنجا می‌شدند که در معادن نفت و سایر مشاغل شاقه فمله‌گی کرده و حیات خود را خاتمه دهند در ظرف نه سال اخیر بآنهمه رؤساء مالیه و آن بودجه‌های هنگفت که تنها بودجه خرج مالیه آذربایجان علی‌التعمین ماهی به یازده هزار تومان رسیده بآن کثرت اجزاء که میتوان گفت یک رژیمان اداره مالیه را اعمال کرده و مشبات درست نموده و هر روز هم برای بیکاران که طرف میل خودشان بوده و هست شعبه جدیدی

تأسیس می‌کنند و تصور نمی‌کنم در این مدت بحساب یک مؤدی رسیدگی کرده و مفاصدا داده باشند بقایا هست که هر ساله رویهم ریخته و موقوف المطالبه‌ها است که رؤساء و امتنای مالیه با گرفتن مختصر و چهره‌شوه دردست مالکین و غیره و تخفیفات است که رؤساء و مفتشین در مقابل چند تومان بمملکت خود خیانت کرده میدادند اگر بنا باشد بنده فجاجیع و مظالم اداره مالیه را که روح مملکت است بیان کنم باعث تضییع اوقات آقایان نمایندگان محترم خواهد بود.

عدلیه که مرجع تظلمات عمومی و احقاق حق بوده یک دارالمظالمه شده و حقوق بدبخت اهالی بمجرد ورود بانجا در مقابل پولها که اعضاء می‌گیرند ضایع می‌شد کار بانجا کشید که متداعین راضی بودند و باز هم هستند بهر شکل است در میان خود عمل خودشان قرار داده و باین دارالمظالمه نروند و قس علیهذا سایر ادارات که همه مترادف هم عوض اصلاح و ترمیم روز بروز بر خرابی‌ها می‌افزودند و گذشته از اینها عملیات مرکز بکلی برخلاف مصالح مملکت و ابداً لایق یک حکومت ملی نبود و انواع مظالم و فجاجیع که اولیای امور در اینجا مرتکب می‌شوند آزادی را خفه کرده و اشغام بی‌گناه و آزادی خواه را بدون معاکه توقیف و حبس و تبعید و قانون اساسی مملکت و قوانین موضوعه مجلس را زیر پا انداخته و هزاران نظایر اینها که البته آقایان دیده و شنیده اند بالاتر از همه قضیه آن قرار داد معروف منحوس بوده معلوم است اهالی باغیرت و باناموس ایران که سند استقلال و تمامیت مملکت خودشان را با خون خود امضاء کرده‌اند حالا آذربایجان و تبریز که در همه مواقع با دادن قربانی‌ها استقلال و آزادی مملکت را تأمین نموده اند ساکت نمی‌نشینند اولیای امور وقت ملتفت بودند که آذربایجان زیر بار این قبیل بی‌قاعدگی‌های ترتیبی و بی‌شرفی‌ها نرفته و تمامکن است از مملکت و استقلال آن دفاع نخواهند کرد و بعلاوه در روزنامه تجدد که ارگان رسمی تجدید یون بود ملاحظه کرده بودند که قرارداد معروف مادامی که مجلس نیامده و بتصویب نمایندگان نرسیده پیش از یک ورق پاره ترتیب اثری نخواهد داشت برای اینکه نمایندگان مجلس بمیل و دلخواهشان منتخب شوند از آنها و بمبغین به آذربایجان فرستاده می‌خواستند قبلاً مسیوق شوند که چه قبیل اشخاص برای نمایندگی از آن ایالت منتخب خواهند شد و در این خصوص تعلیماتی هم بکفیل ایالت وقت داده بودند که قبل از معرفی اشخاص اعلان انتخاب تبریز داده نخواهد شد بالاخره در زمان ایالت و مأموریت آقای سپهسالار اعظم که مختصر روشنائی و آزادی برای آزادیخواهان حاصل شده و شروع

هم باشد لیکن این مسئله منبئ بر يك نقشه و بله فلسفه ایست که شاید نشود اینجامدا کره شود ولی راجع با برقوق چون بنده بخوبی مستحضر هستم عرض می کنم جهت اینکه ابرقو جزو اصفهان بود و تقاضا شده است جزو یزد شود چیست جهش این است که ابرقو در کویری واقع است که متصل فارس است سابق بر این دزدهای فارسی از این کویر عبور میکردند و برای دزدی با اصفهان می آمدند (یک نفر از نمایندگان خیر دزدان اصفهانی)

مدرس - سوء تفاهم نشود اینکه مرض کردم دزدان فارسی مقصود این نبود که هر فارسی دزد است مرض کردم دزدان فارسی حالا این را ما عوض کرده اند یعنی هوس اینکه با اصفهان بیایند میروند بیرون اصفهان هم خیلی ضرر یزد وارد می شود یعنی از همین کویر می آیند با طرف یزد و اسباب خسارت فراهم می آورند حالا اگر آنجا جزو یزد بشود برای یزد مفید است ولی برای اصفهان چه نتیجه بدهد نمی دانم و اینکه فرمودند خوب است ابرقو منفرداً حکومت مستقلی داشته باشد بعضی جاها طوری است که تجزیه اش سخت است بلی اگر يك نقشه ها و ترتیبات و قوانین در مملکت ایجاد کنند آتوقت ممکن است ابرقو را هم مجزا کرده و يك حکومت مستقلی قرار داده ولی حالا ممکن نیست و خیلی مشکل است که حکومتی منفرداً بتواند آنجا را اداره کند بهر جهت بنده بالایحه موافقم ولی عرض می کنم اگر یزد نجات بیاید اصفهان دچار خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت با مخالف ؟
آقا سید یعقوب - بنده بالایحه موافقت

رئیس - آقای محقق العلماء چه طور؟
محقق العلماء - بنده موافقت
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی ؟
حاج میرزا مرتضی - موافقت
رئیس - آقای دولت آبادی موافقت یا مخالف ؟

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده هم موافقت
رئیس - آقای متمدن التجار هم موافقت ؟
متمدن التجار - بنده موافقم ولی گویا لایحه طبع و توزیع نشده و اگر هم شده باشد بمانده اند دیگر اینکه این طرح قانونی از طرف نمایندگان شده خوب است نظر دولت هم جلب شود

رئیس - بهیئت دولت نوشته هده و نماینده دولت هم اینجا هستند
کفیل وزارت داخله - در باب انتزاع ابرقو از اراضی اطراف کمیسیون بوزارت داخله نوشته شده اگر چه نظر وزارت داخله این بود که کلیه تقسیمات اداری یکمرتبه در

روی نقشه معلوم شود چنانچه مشغول هم هستیم و يك قسمت آنهم مرتب شده عنقریب به اتمام رسیده و به مجلس تقدیم میشود ولی چون آقایان نمایندگان بزرگ ضرورتی در فوریت مطلب دیده بودند و نظروارز داخله هم اساساً این بود که هر چه حوزه های حکومتی کوچکتر شود و نقاط جزء بهر گزهای حکومتی نزدیکتر شود بهتر است این بود که موافقت کرد بلاواسطه ابرقو بحکومت اصفهان در تراست یا به یزد و از نقطه نظر آذوقه و غیره اگر جزو یزد باشد تهیلاتش در امور حکومتی زیاد تراست باین مناسبت وزارت داخله مخالفت نکرد و گرنه نظروارز داخله این بود که این مسئله هم جزو تقسیمات مملکتی به مجلس بیاید ولی این مسئله قدری طول داشت چون تقریباً يك ثلث نقشه کشیده شده و شاید دو سه ماه دیگر طول بکشد تا تمام شود زیرا وسایل فراهم نیست بهر جهت چون آقایان نمایندگان یزد در این مسئله عجله داشتند و کمیسیون هم از وزارت داخله نظر خواست این بود که بنده اطلاع دادم وزارت داخله هم موافقت است
رئیس - آقای دست غیب

دست غیب - حاج سید محمد باقر دست غیب - گمان میکنم تمام آقایان موافق باشند با اینکه ایالات را باید خورد کرد جمعی گفتند خیر اینطور نیست
آقایان موافقت دوا گرم - اغلب موافق نباشند
آقایانیکه اظهار فرمودند موافقت آقای کفیل وزارت داخله هم از تقریر ایشان هیچه مستفاد میشد که با این عقیده که ایالات را بجزه جزء تقسیم کنند موافقت بهر جهت حالا آقایان نمایندگی و آقای کفیل موافقت یا مخالف کار بندارم اساساً برای رفع ظلم که یکی از وظایف مجلس است و چون بنده اطلاع کامل بحال ابرقو دارم عرض میکنم ابرقو که جزو حکومت اصفهان است بقدری مردم آنجا مظلوم واقع شده اند که حقیقتاً حال آنها قرت آور است حال چو ابرقو چه داخل آن مطلب نمیشوم ولی کلیه عرض میکنم آن آقایانیکه موافقت ولایات بزرگ تجزیه شود ولو اینکه دو پایه نفرم باشند این مسئله ابرقو را اول مرحله برای تجزیه ایالات بدانند که ابرقو خودش يك حکومت مستقلی داشته باشد و بنده عقیده ام این است که اگر ایالات جزه جزه شود هم ظلم کمتر میشود و کار زیاد تر می شود نسبت به ابرقو هم عقیده ام این است که خودش به نقشه حکومتی تنها باشد

رئیس - باید رای بگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای حائری زاده که کمیسیون مبتکرات قابل توجه دانسته است

رئیس - آن قسمت این است که نوشته شده (از تادیبه مالیات امتناع ورزیدن) محمد هاشم میرزا - بنده بالاینهم مخالفم

(اجازه می فرمائید)
رئیس - بفرمائید
محمد هاشم میرزا - آن قسمت را که آقای رئیس فرمودند بیان واقع بود و حقیقه مقتضی نیست ما از اهمیت قانون اساسی بکاهیم آنرا داخل کنیم در قانونهای متعارفی البته از روزی که مملکت ما مشروطه شده و قانون اساسی که عهدنامه بین دولت و ملت است نوشته و امضاء شده وظیفه دولت و ملت که تمام مواد آنرا معمول و مجری دارند یکی از مواد مهمش این است که مالیات و قرض و غیره بدون تصویب مجلس بهیچوجه پذیرفته نخواهد شد و دولت های خارجه هم که مشروطه و مانوس بقوانین امروز هستند و قانون اساسی در دست دارند میدانند هر چه بدون تصویب مجلس بدهند پذیرفته نخواهد شد

همینطور ما هم مشروطه هستیم و در قانون اساسی هم ذکر شده است که هر کسی بدون تصویب مجلس قرضی یا مالیاتی بدهند پذیرفته نیست و همه ما هم قانون را می دانند پس از دو حال خارج نیست اگر موقعی پیدا شود که بر خلاف قانون اساسی رفتار شود یعنی دولت می خواهد بدون تصویب مجلس از مردم چیزی بگیرد هزار بار هم ماسفارش کنیم و قانون وضع کنیم باز می رود از آنها خواهند گرفت ولی اگر بخواهند موافق قانون رفتار کنند که در قانون اساسی هم ذکر شده است بدون تصویب مجلس هر کسی مالیات وضع کند یا استقراضی کند پذیرفته نیست یعنی در مقابل کسی مشمول نشود که بامشروطه بدهد حالا اگر ما هم بخواهیم اساس مشروطیت و حکومت ملی بیاوریم باید سعی کنیم که دولت بدون اجازه و تصویب مجلس کاری نکند یعنی مالیات وضع نکند فرض نکنند دولت وقتی دستش باز باشد یعنی سر خود بتواند مالیات وضع کند و قرض بکند دیگر چه احتیاجی ما خواهد داشت کمیسیون مبتکرات که این پیشنهاد را قابل توجه دانست برای این بود که در حقیقت مجازاتی برای دولتی که بدون اجازه مجلس اینکار را بکند قرار داده باشد و تصور می کنم این اول قدمی است که برای تقاضای مشروطه و جلوگیری از بجرانها باید برداریم حالانی دانم آقایان چه نظری دارند

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - بنده مخالف
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده هم مخالفم
مغیر - اینکه می فرمائید قانون اساسی اجازه نمی دهد هیچ مالیات و قرضه

بدون تصویب مجلس از کسی گرفته شود این مسئله معلوم نشده و این قانون برای این است که اگر خدای نخواسته در آتیه يك دولتی پیدا شد که بدون اجازه مجلس مالیاتی بر مردم تحمیل نمود و یا قرضه خواست بگیرد مجازات آن دولت معلوم باشد البته تصدیق می فرمائید که دولت های ما هیچوقت مایل نبوده و نیستند که مجلس شورای ملی باشد حالا بعضی دولت ها مستثنی هستند بآن کاری ندارم غالباً در همه جای ملت است نوشته و امضاء شده وظیفه دولت و ملت که تمام مواد آنرا معمول و مجری دارند یکی از مواد مهمش این است که مالیات و قرض و غیره بدون تصویب مجلس بهیچوجه پذیرفته نخواهد شد و دولت های خارجه هم که مشروطه و مانوس بقوانین امروز هستند و قانون اساسی در دست دارند میدانند هر چه بدون تصویب مجلس بدهند پذیرفته نخواهد شد

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - بنده مخالف
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده هم مخالفم
مغیر - اینکه می فرمائید قانون اساسی اجازه نمی دهد هیچ مالیات و قرضه

بنده چیز دیگری ندیدم راجع باستقراض مالیات چندین اصل در قانون اساسی هست اولاً راجع باستقلال اصل بیست و پنجم صراحتاً می نویسند استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد از این صریح تر نمی شود ماده نوشت موادی بسیار هم در خصوص مالیات هست من جمله اصل نود و چهارم گذر این پیشنهاد هم اشاره بآن شده و می گوید هیچ قسم مالیات بر قرار نمی شود مگر بحکم قانون بنابراین تمام مالیات ها که در ایام قنرت وضع شده باطل و لغو است و بهمین مناسبت بود که بنده بریروز عرض کردم و حالا هم تکرار می کنم مسؤل قسمی که در پیش این حکری خطابه خورد هم نیستم زیر شرطش ازین رفتن بر خلاف قانون مالیات می گیرند برخلاف قانون تبعید می کنند و وضع کارهای دیگر برخلاف قانون اساسی می کنند قسمی که بنده اینجا خورده ام اولش این است (مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این قانون اساسی محفوظ و معجزی است) حالا که محفوظ نیست و این شرط ازین رفتن طبعاً مشروطش هم ازین می رود حالا آمدیم سر مالیات بنده عرض می کنم اهالی باید این نوع مالیات ها را که مجلس تصویب نکرده ندانند آقای محمد هاشم میرزا می فرمائید اگر بگوئیم اهالی ندانند که فقر ازین می رود و قوه جبری از آنها مالیات را می گیرد اگر اینطور است پس باید مشروطیت اساس مشروطیت است اگر خاطر حضرت والا باشد يك قسمت عمده که سبب شد ما مشروطه را گرفتیم احکام علمای نجف بود که حکم کردند مالیات به محمد علی شاه بدهید و همین مسئله شاه را مجبور کرد که بامشروطه بدهد حالا اگر ما هم بخواهیم اساس مشروطیت و حکومت ملی بیاوریم باید سعی کنیم که دولت بدون اجازه و تصویب مجلس کاری نکند یعنی مالیات وضع نکند فرض نکنند دولت وقتی دستش باز باشد یعنی سر خود بتواند مالیات وضع کند و قرض بکند دیگر چه احتیاجی ما خواهد داشت کمیسیون مبتکرات که این پیشنهاد را قابل توجه دانست برای این بود که در حقیقت مجازاتی برای دولتی که بدون اجازه مجلس اینکار را بکند قرار داده باشد و تصور می کنم این اول قدمی است که برای تقاضای مشروطه و جلوگیری از بجرانها باید برداریم حالانی دانم آقایان چه نظری دارند

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - بنده مخالف
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده هم مخالفم
مغیر - اینکه می فرمائید قانون اساسی اجازه نمی دهد هیچ مالیات و قرضه

بنده چیز دیگری ندیدم راجع باستقراض مالیات چندین اصل در قانون اساسی هست اولاً راجع باستقلال اصل بیست و پنجم صراحتاً می نویسند استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد از این صریح تر نمی شود ماده نوشت موادی بسیار هم در خصوص مالیات هست من جمله اصل نود و چهارم گذر این پیشنهاد هم اشاره بآن شده و می گوید هیچ قسم مالیات بر قرار نمی شود مگر بحکم قانون بنابراین تمام مالیات ها که در ایام قنرت وضع شده باطل و لغو است و بهمین مناسبت بود که بنده بریروز عرض کردم و حالا هم تکرار می کنم مسؤل قسمی که در پیش این حکری خطابه خورد هم نیستم زیر شرطش ازین رفتن بر خلاف قانون مالیات می گیرند برخلاف قانون تبعید می کنند و وضع کارهای دیگر برخلاف قانون اساسی می کنند قسمی که بنده اینجا خورده ام اولش این است (مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این قانون اساسی محفوظ و معجزی است) حالا که محفوظ نیست و این شرط ازین رفتن طبعاً مشروطش هم ازین می رود حالا آمدیم سر مالیات بنده عرض می کنم اهالی باید این نوع مالیات ها را که مجلس تصویب نکرده ندانند آقای محمد هاشم میرزا می فرمائید اگر بگوئیم اهالی ندانند که فقر ازین می رود و قوه جبری از آنها مالیات را می گیرد اگر اینطور است پس باید مشروطیت اساس مشروطیت است اگر خاطر حضرت والا باشد يك قسمت عمده که سبب شد ما مشروطه را گرفتیم احکام علمای نجف بود که حکم کردند مالیات به محمد علی شاه بدهید و همین مسئله شاه را مجبور کرد که بامشروطه بدهد حالا اگر ما هم بخواهیم اساس مشروطیت و حکومت ملی بیاوریم باید سعی کنیم که دولت بدون اجازه و تصویب مجلس کاری نکند یعنی مالیات وضع نکند فرض نکنند دولت وقتی دستش باز باشد یعنی سر خود بتواند مالیات وضع کند و قرض بکند دیگر چه احتیاجی ما خواهد داشت کمیسیون مبتکرات که این پیشنهاد را قابل توجه دانست برای این بود که در حقیقت مجازاتی برای دولتی که بدون اجازه مجلس اینکار را بکند قرار داده باشد و تصور می کنم این اول قدمی است که برای تقاضای مشروطه و جلوگیری از بجرانها باید برداریم حالانی دانم آقایان چه نظری دارند

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - بنده مخالف
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده هم مخالفم
مغیر - اینکه می فرمائید قانون اساسی اجازه نمی دهد هیچ مالیات و قرضه

این جمله را تکرار می کنم و مکرراً این مقام بسمع تمام مردم می رسانم که حق گرفتن است نه دادنی اگر می خواهند حقوقشان حفظ شود باید بدون هیچ ملاحظه حاضر باشند همه قسم مجاهدت بکنند حتی کشته شوند تا در مملکت قانون محفوظ بماند البته برای حفظ هر ماده قانون اساسی باید بکشتند و کشته شوند و هر خلاف قانونی دیدند پروتست کنند و چنانچه در همه جای دنیا معمول است تعطیل کنند و قیام و اقامت نمایند تا قانون اساسی اجرا شود اگر این ترتیبات نباشد غیر ممکن است قانون اجرا شود حفظ حقوق و حدود مملکت حفظ آزادی اجرای قانون اساسی باز چنانکه آقای متمدن التجار اظهار فرمودند تنها به باز شدن جمعی نیست اقامه مجلس هم بافکار عمومی است و کسی که با داشتن يك رای زیاد تر از دیگری زیاد خدائی پیدا نمی کند اگر هر اهلانش زیاد نباشد نمی تواند کاری بکند چنانکه محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله بواسطه این که هر اهلانش کم بود از مکه معظمه بدین هجرت فرمودند و نتوانست چنگ کند وقتی پیروان عقیده اش زیاد شدند و قابل چنگ شد چنگ کرد بپیامبران و نیکان که موبین همدان بودند تا جمعیت دورشان نبود نمی توانستند حق خود را بگیرند بنده مکرر عرض می کنم اگر حقیقه مردم می خواهند آزادی خود را حفظ کنند باید در مقابل هر خلاف قانونی فوراً تعطیل کنند در هر خلاف قانونی حاکم را بیرون کنند بنده صریحاً عقیده خود را می گویم و داد میزنم اگر مردم می خواهند رفع ظلم بشود باید تعطیل کنند و مشت و دندان نشان دهند تا ظالمین بترسد والا تا تعطیم و تکریم می کنند و مادام که حضرت اشرف و ظل الله و سایر لغات خاصه را استعمال می کنند و خودشان را چاکر و بنده می دانند هیچ وقت بحق خود نمیروند و چاکر بنده خواهند بود هر وقت خود را آقا و صاحب خانه دانستند آقا و صاحب خانه خواهند شد و باید هر کسی مسئولیت را بعهده خودش بدهد و بگوید در مملکت جز من حافظ قانون اساسی نیست باید بکشد و کشته شود تا این حقوق را حفظ کند و یقیناً هر کس در راه حقوق کشته شود جزو شهدا خواهد بود بنده اینها را با او بلند می گویم ولی هیچ اثر ندارد بنده مکرر فریاد زدم و گفتم حکام خون مردم را در شیشه می کنند این همه هرايش شکایت از دست حکام بکمیسیون میرسد ولی هیچ ندارد (جمعی گفتند صحیح است) همه و کلا هم فرمودند صحیح است ولی نتیجه ندارد و چه نتیجه داد کدام رفع ظلم شد مردم باید رفع ظلم را از خود بکشند مردم خود اهالی باید بایستند و مشت و دندان نشان دهند و بگویند ما صاحب

حقیق و ممکن نیست بگذاریم بر خلاف آزادی و اصول قانون اساسی رفتار شود اما کجاست این عملیات که مملکت مشروطه این چه مشروطه است که چنین توقیف و تعبد بدون معاصمه می نمایند و هر کس مال مسلمین را بیشتر اختلاس کرده بیشتر ترفیع رتبه پیدا می کند و از این مأموریت به آن مأموریت میروند این مملکت بجهه چیز مینماید غیر از مشروطه کجا است آن مصونیتی که معنایش مدافعت موکلین است از مصلحت کلاه باز بنده تکرار می کنم مردم اهالی اهالی غیر از او هیچ چیز اول خدا بدمد خدا خدایم با جماعت است اگر جماعت در یک مسئله اقدام نکنند هر چه خیال داشته باشد جز و مردم او را زود است بنا بر این اگر مردم از این دو ماده قانون اساسی که یکی راجع به استقرار و یکی راجع به مالیات است حمایت نکنند چه فایده خواهد داشت که دومرتبه یک قانون عادی بنویسیم و چه نتیجه می توانیم از او بگیریم آیا در این سیزده ماه که از عمر مجلس گذشته سنا و وزرای دوره فترت را محاکمه کرده ایم لا والله آیا خائنین دوره فترت را مجازات داده ایم لا والله مایک نفر را مجازات نداده ایم خواه اقل مجازات خواه اعدام پس در این صورت تمام از دست اهالی است تا اهالی از برای حفظ قانون اساسی مشت نشان ندهند و تا بدون هیچ ملاحظه مالیاتی را که مجلس تصویب نکرده ندهند قانون اساسی حفظ نمیشود آن در طهران مالیاتی را که مجلس رای نداده می گیرند باید ندهند و تعطیل کنند تا به بیستم کی از آنها می گیرد ملتی که از توقیف و حبس و سدمه برسد نمیتواند حقوق آزادی را حفظ کند بسم الله این مرکز که آقا آقا سید یعقوب می خواستند از آن دفاع کنند و بنده هم که کجای آنجا هستم و معلی است که مجلس شورای ملی هم در آنجا هست و مطالب هم زودتر بآن میرسد چرا مالیات هائی را که مجلس تصویب نکرده می دهند چه می شود دو نفر زانند آنرا را بگیرند و توقیف و حبس کنند اول بنده را که وکیل طهران هستم و این تقاضا را بنام حفظ قانون اساسی می کنم بگیرند زیرا من از حبس و تعبد نمی ترسم سابقه زندگانیم هم غیر از این نبوده و از لاحق آنهام غیر از این متوقع نیستم بنا بر این می گویم اگر آقایان می خواهند مشروطیت داشته باشند باید زیر بار ظلم نروند و از هیچکس جز خودشان شکایت نداشته باشند و تادر مردم این احساسات بروز نکنند غیر ممکن است باین قانون اساسی و بآن قانونی که آقایان تازه پیشنهاد می کنند اهمیتی داده شود و این قانون اساسی که ما بآن قسم خورده ایم محترم و مقدس است اما آنچه که در مأموریتها و وزارتخانهها بآن کمتر پرداخته می شود و در گوشه ها افتاده اصلا قابل توجه نیست همین قانون اساسی است بنا بر این باید از

این گرسی خطابه استفاده کرد و ب مردم گفت زیر بار این ظلم ها نروید و قانون اساسی را خودتان حفظ کنید و برای حفظ حقوق خودتان بکشید و کشته شوید اگر این اندازه حاضر شد بدم مملکت مشروطه خواهد داشت ما همه این مقدمات نتیجه که بنده از این پیشنهاد می بینم این است که اهمیت قانون اساسی را قدری می کاهد یعنی مقام او را قدری تنزل می دهد و بقانون عادی میرساند آنوقت یک جماعتی می گویند این ماده با فلان ماده قانون اساسی معارض است یا موافق آیا تغییر آن همانطور است یا فلان شکل و آنقدر اشکال تراشی می کنند که با ماده آنچه در قانون اساسی داریم قابل تغییر و تفسیر می شود بنا بر این بنده کاملاً مخالف ولی با یک چیز موافقم و آن قانون مجازات است که همانطور که شاهزاده محمد هاشم می فرمایند در این مملکت نیست مجازات در باره آفتابه دزد اعمال می شود ولی درباره کسی که دویست هزار تومان می دزدد اعمال نمی شود آفتابه دزد را مجازات می کنند ولی کسی که می گوید ملک من باندازه خاک بلزیک است و هفت کروم مالیات دولت را نمی دهد و همینطور درباره سایر گردن فرازان و مشخصین و اعیان و صاحبان نفوذ اصلاً قانون اجرا نمی شود و بهزار تعبیر و تفسیر مالیات خود را نمی دهند اما حمل و کاسب و کارگری بیچاره را توی سرش می زنند و درباره آنها حکم و قانون هست و شش نفرش نفر را اعدام می کنند اما تا کنون دیده نشده یکی از آن دزد های اعیان و اشراف را مجازات بدهند بنده که ندیده ام ولی آفتابه دزدها هر روز در نظمی توقیفند من طرفدار گذرانندگان قانون مجازات هستم زیرا باید هر چه زودتر گذرانند تا بعد از گذشتن آن بنده حق داشته باشم سؤال کنم چرا فلان ماده قانون مجازات را در باره فلان السلطنه یا فلان الدوله که در حکومت خود آدم می کشد اجرا نکرده اند البته حالا هم قانون مجازات شرعی هست ولی باید یک قانون مجازاتی که موافقت با قانون شرع داشته باشد ولی فارسی و ماده بماده باشد نوشته شود تا بنده هم که عربی نمی دانم بفهمم و از آنرو بتوانم از وزیر سؤال کنم که چرا فلان ماده اجرا نشده

جلسه تشکیل داده اند **سندیمان** میرزا - بنده در آن کمیسیون انتخاب نشده ام **آقامیرزا محمد نجات** - آیا دوسه بار خواسته اند و رسیدگی کرده اند مردم تقصیری ندارند سیزده ماه است مجلس باز شده ما چه کرده ایم در این سیزده ماه کدام قانون از مجلس گذشته می فرمایند دزد باید مجازات شود قانونش را ما باید بنویسیم که آن قانونیکه ما برای دزد دویست هزار تومانی نوشته ایم ؟ بنده نشان به معنی تا بنده بگویم حق با حضرت والا است بلی یکی از اصول قانون اساسی می گوید فرضه بدون تصویب مجلس نباید بشود ولی اگر کسی این کار را کرد مجازاتش چیست ؟ قانون اسلام می گوید دزدی بد است و اگر یک کسی دزدی کرد قانون مجازات هم به اویش هست قانون اساسی هم می گوید فرضه نباید بشود ولی اگر یک دولتی آمد مجازاتش کجاست کمیسیون این پیشنهاد را باینجه قابل توجه دانست که یک درجه مجازاتی برای این کار معین شده باشد این پیشنهاد می گوید هر فرضه بشود ملت ایران مدیون آن نیست یعنی هر کس آن قرض را کرده خودش باید بدهد خود این یکدرجه مجازات است همان مجازاتی که حضرت والا فریاد می زنند در همین پیشنهاد یک درجه از آن هست پس چرا حضرت والا تعاضی و مخالفت می کنند این پیشنهاد را بخواهند ببینید آیا مجازات است یا نه ؟ حالا اگر این مجازات کم است در کمیسیون تشریف ببرید و زیاد تر پیشنهاد بفرمائید البته مواد قانون اساسی بجای خود مقدس است ولی بهلوی هر ماده مجازات هم لازم است بنا بر این کمیسیون مبتکران این پیشنهاد را خیلی لازم می دانند و یک ماده حیاتی برای مملکت تصور می کنند زیرا اگر این پیشنهاد تصویب شود دیگر کسی فرضه نمی کند و هیچ کس هم فرضه نخواهد داد و هیچوقت هم دوره فترت پیدا نخواهد شد و بعقیده بنده اگر حضرت والا توجه بفرمائید تصدیق خواهند فرمود که این خوب پیشنهادی است

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟ محمد هاشم میرزا - در هر ایش بنده سوء تفاهم شده اجازه می فرمائید رئیس - رفع سوء تفاهم را بفرمائید عهده فرمایش شاهزاده سلیمان میرزا موفق بود بنده عرض کردم همانطور که ماتکلیف خود را می دانم مردم هم می دانند و قانون اساسی را می فهمند و مادام که زورشان برسد مالیات نخواهند داد و اینکه عرض کردم چند نفر زانند امی فرستند مقصود این نبود که تعدی نشود بنده با حضرت والا موافقم و این اظهاراتی که آقای نجات می فرمایند همین قانون اساسی است بلی اگر مقصود کمیسیون مبتکران پیشنهاد کنند مذاکره شود ولی این پیشنهاد عین قانون اساسی است و اهمیت قانون اساسی را می کاهد باینجه بنده مخالف هستم این را هم عرض می کنم که دعوت بانقلاب در این موقع مملکت مقتضی نیست مردم ما را وکیل کرده اند گماکار آنها را بکنیم کدام قانون را ما گذرانده ایم که دولت اجرا نکرده چرا ما باید مردم را در این موقع دعوت بانقلاب کنیم

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که آنرا قابل توجه می دانند قیام بفرمایند عهده قبلی قیام ننودند رئیس - قابل توجه نشد نجات - پس معلوم می شود هر مالیات و فرضه بدون اجازه مجلس گرفته شود صحیح است (جمعی گفتند اینطور نیست قانون اساسی صراحت دارد) رئیس - یک فقره واریت دیگر راجع به عرومیت متوسلین بمنابع خارجی به کمیسیون رفته و از کمیسیونم اعاده شده ولی چند نفر از آقایان تقاضا کرده اند از دستور امر و خارج شود مخالفی نیست (بعضی گفتند خیر) رئیس - سابقاً عرض کردم که از طرف دولت چند فقره شهریه و حقوق تقاضای تقاضا شده بود کمیسیون بودجه تصویب نکرده است باید در این باب رأی گرفته شود قرائت می شود (سه فقره لایحه پیشنهادی دولت بمضمون ذیل قرائت شد مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه شاهزاده علی خان که از مأمورین قدیم وزارت مالیه بوده در سه ماضیه بیجی قیل مامور مالیه نطنز گردیده و در اوایل هذمه السه در محل مأموریت وفات ننوده نظریه پاس خدمات صادقانه آن مرحوم و رعایت خاطر باز ماندگانش تا زمانی که قانون تقاضه مستخدمین دولتی از تصویب مجلس مقدس شورای ملی نگذشته است وزارت مالیه دو ماده ذیل را پیشنهاد می نماید ۱ - درباره یک نفر دختر علیله و عاجزه او از تاریخ فوت شاهزاده علی خان مادام الحیوة ماهی پنج تومان برقرار شود ۲ - در حق یک نفر عیال و دو نفر دختران مرحوم او از تاریخ فوت تا زمانی که شوهرا اختیار نکرده اند ماهی پانزده تومان بالسویه برقرار گردد

(مقام محترم مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه) و لا نظریه بیاس خدمت و سابقه هر یک از صاحب منصفها و آرزایان نظمی که در خدمت دولت فوت می نمایند مدت معینی بمرتبه آنها شهریه داده می شده است اخیراً اداره نظمی برای ورثه عهده صاحب منصب و آزان کفوت کرده اند تقاضای شهریه کرده است لذا تا زمانی که قانون وظایف باز ماندگان مأمورین از تصویب نگذشته است وزارت داخله ماده واحده ذیل را پیشنهاد و تقاضای تصویب می نماید ماده واحده - شهریه درباره وارث یک نفر صاحب منصب و هفت نفر آزان که در خدمت دولت فوت نموده اند بشرح ذیل برقراری شود ۱ - ورثه محمد علی خان سوزان سه در صدت یکسال در ماه ۱۴۰ قران ۲ - ورثه علی نقی میرزا آزان درجه ۱ برای مدت یکسال در ماه ۹۰ قران ۳ - ورثه حسن بیگ آزان درجه ۲ برای یکسال در ماه ۹۰ قران ۴ - ورثه ابوالفتح بیگ آزان مامور گارد شهری در مدت یکسال در ماه ۹۰ ریال ۵ - ورثه حسن بیگ آزان نمره ۱۹ درجه ۲ مامور ناحیه ۶ در ماه ۹۰ ریال ۶ - ورثه نبی خان آزان درجه ۲ مامور مجلس برای مدت ۳ ماه در ماه ۱۸۰ قران ۷ - ورثه قاسم خان آزان درجه ۲ نمره ۵۶۱ که از پشت بام بازار در موقع خدمت پرت شده و فوت نموده است برای مدت ۳ سال از قرار در ماه ۹۰ قران ۸ - ورثه عباس خان آزان درجه ۲ نمره ۵۶۰ جو و گارد شهری برای مدت یکسال در ماه ۹۰ قران مقام محترم مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه امام قلی خان و حسن خان قبلی در انقلاب اخیر فارس قتل شده اند برادر آنها نیز چندی قبل فوت شده و برای ورث آنها سر پرستی باقی مانده چون استحقاق و استیصال مادر و یک نفر صغیره از بازماندگان آنها بطریق تصدیق مدارف فارس مسلم کرده بر رعایت حال ورث مزبور دو ماده ذیل را پیشنهاد و تقاضای تصویب آن را می نماید ماده اول - از اول حمل ایت ثیل ۱۳۰۱ ماهی ده تومان در حق ورثه از قرار شرح ذیل برقرار می شود ایران خانم مادر امام قلی خان و حسن خان پنج تومان (۵۰ قران) همد خان صغیره پنج تومان (۵۰ قران) ماده دوم - برقراری شهریه فوق در باره ایران خانم مادام الحیوة و در حق همد

خانم صغیره تا زمانی است که شوهرا اختیار نکرده است رئیس - این سه فقره پیشنهاد طبع و توزیع شده بود راپرتی هم که کمیسیون داده قرائت می شود و باید در آن رأی بگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد) لوائح ۳۸۱۰۸ و ۲۶۱۸ و ۲۶۵۸ دولت در کمیسیون بودجه مطرح و نظر باینکه قانون استخدام از کمیسیون گذشته و در مجلس مطرح خواهد شد و نظر باینکه در موضوع لوائح مزبوره و نظایر آن باستانی یک اصل کلی اتخاذ شود کمیسیون بودجه مراجعه لوائح مذکور در فوق را بدولت تصویب و انتظار دارد که بادر ذیل قانون استخدام و یا در لایحه جداگانه اصلی که شامل موارد فوق الذکر و نظایر آن باشد اتخاذ و پیشنهاد نمایند رئیس - آقای مدرس مدرس - بنده با راپرت کمیسیون موافقم ولی نه من باب اینکه نسبت بمضمون نباید رعایتی نمود و الله عقیده ام این است که بعد از تصدیق باستانی همه گونه مساعدت با آنها بشود ولی از چندی باینطرف هیئت دولت لوائح زیادی از این قبیل به مجلس می فرستند و بهیچ وجه فلسفه و جهتی برای آن ذکر نمی کنند لذا کمیسیون در نظر گرفت که در ضمن قانون استخدام یا لایحه دیگری یک اصل کلی اتخاذ شود تا نسبت بتمام مأمورین مراعات کرده و فرقی بین آنها قرار داده نشود زیرا خود فرق گذاشتن یک ظلمی لهذا موافقت این لوائح را مسترد داشت یا انشاء الله الرحمن بزودی در مجلس یک فلسفه راجع باین مطلب اتخاذ شود و البته آن فلسفه ها شامل حال این لوائح خواهد بود و در آن وقت تصویب خواهد شد این نظر بود که بنده باین راپورت اظهار موافقت نمود معاون وزارت داخله راجع باین قبیل پیشنهاد ها اگر چه همانطور که فرمودند تا بجان اصل واحد معنی اتخاذ نشده ولی غالباً بموجب احکام و تصویب نامه های دولت نسبت ببازماندگان اشخاصی که در خدمت دولت فوت می شده اند خصوصاً راجع بمأمورین نظمی از قبیل آزان و صاحب منصب شهریه پیشنهاد می شد و دولت هم چون مجلس نبود تصویب می نمود ولی حالیه که مجلس شورای ملی موجود است البته این گونه لوائح باستانی از تصویب مجلس بگذرد اما اینکه فرمودند

وطن خواهی و اسلام پرستی کشته شده بحقوقی پیشنهاد می نماید کمیسیون آنرا رد می کند ولی در همین مجلس مقدس بدبختانه شاید خود من هم برای اشخاصی که استحقاق نداشته اند ۵۰ تومان و ۱۰۰ تومان شهریه تصویب کرده ایم و نیز در همین مجلس تقاضای تصویب بدون آنکه صورت مستمریات بمجلس بیاید وزیر مالیه بپردازد ولی برای این اشخاص که در راه وطن کشته شده اند تازه قائل بفلسفه و اصل کلی و پرنسب شده اند بنده خیلی تعجب می کنم که تازه کمیسیون بیدار شده و این لوائح را رد کرده بنده گمان می کنم برای این بوده است که این بیچاره ها واسطه نداشته اند بعضی از نمایندگان بطور همه و اعتراض چنین نیست آقامیرزا علی کازرونی - اگر چنین نیست چرا راجع به سایرین تصویب شده اما مال این بیچاره ها رد شده است بنا بر این بنده کاملاً با پیشنهاد دولت موافق و با راپرت کمیسیون مخالفم مدرس - اجازه بفرمائید توضیحی دارم رئیس - بفرمائید مدرس - بخصوس این دو نفر که آقای کازرونی فرمودند شیرازی بودند ما هم تعقیب کرده ایم غارتگر بوده اند ما هم تصویب نخواهیم کرد ولی نسبت به سایرین بلی ما هم می دانیم ضعیف هستند لذا کمیسیون رد نکرده ولی عقیده دارد که باید در تحت یک اساسی باشد تا دولت بداند که بعد از اینکه شخص فوت نمود باید نیک و انصاف حقوقش را در حق ورا - تش بطور شهریه بپردازد و بداند که فلان وارث دو تومان و دیگری ۵ تومان باید بدهد و اما اینکه فرمودید شهریه ها تصویب شده بلی فرق است میانان بریدن و نان دادن کمیسیون آنچه توانست قطع کند قطع کرده و آنچه را که نتوانست باقی گذارد و راجع بمستمریات هنوز نظری نکرده ایم لذا خوب است آقای کازرونی اوقاتشان تلخ نشود زیرا کمیسیون این پیشنهاد را رد نکرده و منتظر اتخاذ اصلی کلی است و در خصوص آن ۲ نفر ما که شیرازی نیستیم و خبر نداریم لیکن همانطور که عرض کردم با آنطور راپورت دادند لذا ما هم رأی نداشته ام رئیس - یک قدری از حدود توضیح خارج شدید آقای دست قیب (اجازه) حاج سید محمد باقر دست قیب - آنچه بنظر بنده می رسد اساساً بعضی مذاکرات و بعضی حرفهاست که باید با کمال نزاکت اصل و روح قضیه را گفت

بدون اینکه محتاج باشیم بعضی عبارات بگوئیم که بذهن بعضی ها ناگوار باشد راجع باین فقره لایحه بنده سر بسته عرض میکنم لایحه راجع بآژان برهن است که در خدمت دولت فوت کرده اند و ورثه اش فقیر هستند و از تصویب مبلغ جزئی در حق آنها برودجه مملکت سکیتی وارد نمی شود و باید تصویب شود و لازم نیست برای این مسائل جزئی این همه وقت مجلس تلف شود اما راجع بآن دو نفر همین قدر سر بسته عرض میکنم آن دو نفر راهم که بنده بمجال آنها سابقه دارم سزا وار می دانم چون ورثه آنها صغیر و فقیر و بی بضاعت هستند این مشولیت را با شریازها بگردن می گیریم که يك مبلغ جزئی در حق آنها تصویب شود این هم کمک است و هم معض تشویق عیب نخواهد داشت .

نصرت الدوله - مخیر کمیسیون بودجه - چون بنده در قسمت اول مذاکرات نبودم نفهمیدم از چه نقطه نظر اعتراضات بر کمیسیون وارد است ولی از قسمت اخیر مذاکرات که شنیدم این طور تصور میکنم که بقول آقای مدرس این اعتراضات مبتنی بر يك سوء تفاهمی نسبت بعقیده و نظریه کمیسیون می باشد کمیسیون بودجه چه در مورد این لویایچه وجه در مورد نظر آن يك نظر نفی وردی نداشته و گمان نمی کنم هیچ يك از نمایندگان معترض هم این نظریه را داشته باشند که

بورات مستحق يك مستخدمی که در حین خدمت بدولت مقتول یا فوت یا ناقص می شود دستگیری نه نمایند خود بنده خوب در خاطر دارم که در موقع دفاع از بعضی لویایچه و رایو رت های کمیسیون بودجه در مقابل اعتراضات همین آقایانی که امروز از این راه اعتراض می نمایند مخصوصاً از این نظریه که دولت باید در حق ورثه مستخدمین خود رعایت نماید دفاع کردم ولی در این موقع اگر کمیسیون بودجه يك نظر دیگری عیر از تصویب آن ها اتخاذ کرده برای این بوده است که این مسئله يك صورت اصلی و اساسی پیدا کند زیرا نظایر این لویایچه خیلی زیاد است و کمیسیون بودجه باید هر روز مواجه شود با تصویب يك حقوقی برای ورثه يك مستخدم مقتول یا متوفی که در خدمت دولت فوت نموده و همیشه با يك لویایچه و پیشنهاد هائی که مبتنی بر يك اصل مسلمی نیست مواجه شود بالاخره

مواجه شود با يك اعتراضاتی که از طرف آقایان نمایندگان و اشخاص دیگری می شود که می گویند این پیشنهادات بیشتر برای مستخدمین می شود که واسطه دارند و بهتر می توانند دولت را مستحضر نمایند که يك چنین حادثه سوئی برای آنها دست

داده وای بسا مستخدمینی که دچار این بدبختی ها می شوند و کسی نیست که فکری بحال آنها بکنند و دولت هم ابدا در خیال آنها نیست بلی در مقابل تمام این قضایا کمیسیون بودجه این طور عقیده پیدا کرده که يك نظر کلی اتخاذ شود که در این گونه موارد مدرک باشد و کمیسیون بودجه بر طبق آن رفتار نماید بنده نمی فهمم این اعتراضات چیست ؟ آیا اگر کمیسیون بودجه تقاضا کرده است دولت يك مودادی راجع باین مسئله پیشنهاد کند تا مجلس تصویب نماید يك خطای را مرتکب شده است ؟ بالاخره باید يك روزی کمیسیون بودجه دولت را متذکر کند که برای خاتمه دادن باین پیشنهادات يك اصل کلی اتخاذ نماید و یقیناً در هر مورد که این تذکر داده شود همین اعتراضات وارد است و خواهند گفت چرا این موقع متذکر شدید و موقع دیگر معمول نمودید بنا بر این بنده اشکالی در این مورد نمی بینم فقط دعوتی است که کمیسیون بودجه از دولت می نماید که قانون حقوق وراثت مستخدمین مقتول یا متوفی را ترتیب داده و پیشنهاد نماید و اگر بعضی از آقایان صلاح می دانند خود مجلس این اصل را اتخاذ نماید چه ضرر دارد الان از طرف یکی از آقایان یکی دوماده بمقام ریاست پیشنهاد شود تا مطرح گردد بنده نمی فهمم چرا این صحبتها و کشمکش ها می شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده همانطور که شاهزاده نصرت الدوله فرمودند با اتخاذ يك اصل کلی موافقم لکن با آن بیانات و دقایقی که آقای آقا میرزا هلی کازرونی اظهار کردند مخالفم اما در ایران که چند دوره انقلاب پیدا شده ما اگر می خواهیم اشخاصی را که در انقلاب بوده اند تعقیب کنیم و به بنییم آیا آن انقلابات بحال مملکت نافع بوده است یا مضر شاید بالاخره به يك جائی منتهی شود که خوب نباشد بنده موافقم که ورثه آن دو نفر که آقای آقا میرزا هلی فرمودند جزئی مساعدتی بشود لیکن بنده عرض می کنم که اگر کسی اطلاع داشته باشد می داند که این دو برادر در فارس هفتاد خانرا چاپیدند و غارت کردند ایسه و انا تیه آنها را بطهران آوردند و فروختند بدست همین اشخاص نصف خاک فارس با خاک یکسان شد و باز هم بدست همین دو برادر صحرای شیراز فرقه خون گشت بلی اگر باین رجوع بتاریخ گردیده ام تاریخ می گویم بنده هم شیرازی هستم و از وقایع شیراز اطلاع دارم و هیچ هم نمی توانم بمن نسبت طرفداری انگلیس یا غیره بدهم من يك نفر مجاهد مسلمان ایرانی هستم و تاریخ عمر من این مسئله را ثابت می کند بلی اگر

بناشود عملیات دوره فترت تعقیب شود کند عارف وهامی همه برادر اقدامهانی توانیم عملیات دوره فترت را تعقیب کنیم آقای آقا میرزا علی چرا از دروازه شیراز تا بوشور را فرقه خون کردید ؟ و چرا تمام ملت ایران را بدبخت نمودید ؟ بنده بهتر می دانم که این مسئله تعقیب نشود و چون طرفدار این نیستم که باز دو طرف مخالف تشکیل بدهم و اسباب زحمت شویم موافق می نمایم که با آنها صد تومان دوست تومان یکدفعه و الا بنایستی شهریه قرار داد زیرا از طرف مقابل هم همین پیشنهاد می شود و ما هم با یستی طرفین را متساویان نگاه کنیم مجلس نماینده تمام ملت ایران است و باید حفظ حقوق عامه ملت را بنماید و عادلانه حکم کند این است که بنده عرض می کنم این مسئله فیر از تولید اختلافات در فارس هیچ نتیجه ندارد ولی اگر يك دفعه دولت يك مبلغی بآن ها بدهد مخالفت ندارم .

معاون وزارت داخله - راجع به اصلی که فرموده و وظیفه دولت است بیش بینی نموده و پیشنهاد نماید چنانکه عرض کردم این اصول پیش بینی شده و ضمیمه قانون استخدام است و چون آن قانون در مجلس شورای ملی مطرح است پیشنهاد يك اصول دیگری در این موضوع ضرورت نخواهد داشت و راجع به پیشنهادهائی که اخیراً دولت کرده است البته ممکن است راجع به آنها عملی نشده نظری اتخاذ شود و نظر ضرورت مورد استحقاق حال آنها تصویب گردد دهر حال همیشه معمول بوده است که برای وراثت مأمورین که در خدمت مؤثری فوت نموده اند خود هیئت دولت وظیفه تصویب نموده معلوم است حال باید از زوری يك اصل معینی رأی داده شود و آن اصول هم در قانون استخدام پیش بینی شده و در تحت مطالعه است بنا بر این لایحه دیگری ضرورت ندارد .

رئیس - آقایان میرزا - بنده آنچه از توضیحات آقایان و مخیر کمیسیون بودجه فهمیدم این است که با یستی در حق ورثه این اشخاص خواه خوب خواه بد آنها کاری ندارم (زیرا بطور کلی ورثه مستخدمین دولت گناهی ندارند)

رئیس - آقایان میرزا - بنده آنچه از توضیحات آقایان و مخیر کمیسیون بودجه فهمیدم این است که با یستی در حق ورثه این اشخاص خواه خوب خواه بد آنها کاری ندارم (زیرا بطور کلی ورثه مستخدمین دولت گناهی ندارند)

رئیس - آقایان میرزا - بنده آنچه از توضیحات آقایان و مخیر کمیسیون بودجه فهمیدم این است که با یستی در حق ورثه این اشخاص خواه خوب خواه بد آنها کاری ندارم (زیرا بطور کلی ورثه مستخدمین دولت گناهی ندارند)

رئیس - آقایان میرزا - بنده آنچه از توضیحات آقایان و مخیر کمیسیون بودجه فهمیدم این است که با یستی در حق ورثه این اشخاص خواه خوب خواه بد آنها کاری ندارم (زیرا بطور کلی ورثه مستخدمین دولت گناهی ندارند)

همین بوده است که يك وجه حلی برای این مسئله تهیه شود و نظر دیگری نداشته حال اگر دولت یا وزارت داخله عجله دارد که این پیشنهادات قبل از اینکه قانون استخدام تصویب شود از مجلس بگذرد ممکن است پیشنهادات خودشان را مسترد دارند و يك پیشنهادی جدیدی مبنی بر همان ترتیب که در قانون استخدام ذکر شده بفرمایند و آن قانون را ملاک پیشنهادات خود قرار بدهند تا طرح خود تصویب گردد

کفیل وزارت داخله - اصلا تیل از این که قانون استخدام تقدیم مجلس شود این پیشنهادات تقدیم شده حالا اگر نظریه کمیسیون این باشد که این پیشنهادات تصویب می شود و با اصولی که در قانون استخدام وراثت متوفی ذکر شده تطبیق کرده عیبی نخواهد داشت و برای دولت ممکن است لکن تصدیق می فرمایند برای يك شهریه خیلی جزئی که در حق وراثت چند نفر مأمور نظمی آنها هم برای مدت یکسال تصویب می شود بنایستی اینقدر تأخیر ببقند و در هر حال بنده با تجدید نظر و تطبیق آنها با اصول قانون اساسی مخالفتی ندارم .

پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا قرائت می شود . (بضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم که در موضوع سه فقره پیشنهادهای حقوق قضاة و وظایف وراثت مأمورین چنین تصویب نمود ماده واحد - بورات مستخدمین مذکور ماده که قانون استخدام تصویب نشده ثلث حقوق آنها داده شود (سلیمان محسن)

رئیس - آقای سلیمان میرزا توضیحی

نمی نماید در صورتی که جمع تمام این چند فقره حقوق در راه از شخصت یا هفتاد تومان تجاوز نمی نماید و در صورتی که از طرف دیگر جمع شهریه ها از چهل هزار تومان تجاوز است بنده اینطور تصور می کنم اگر آقایان موافقت فرمایند بورات این مستخدمین و آژان هائی که در خدمت تلف شده اند و خانواده بیچاره آنها شاید تا یکی دو ماه دیگر از فقر و فلاکت از بین بروند خوب است مادامی که قانون استخدام نگذشته است ثلث حقوق آنها را بورتشان بدهند و گمان نمی کنم با اصولی هم که در قانون استخدام اتخاذ شده چندان تفاوتی داشته باشد و فرضاً يك آژانی که بیست و دو تومان حقوقش باشد ثلث حقوقش بورتش او داده شود چه میشود ؟

اگر آقایان موافقت فرمایند این دوسه ماه تا قانون استخدام بگذرد این مبلغ داده شود چون هم با بقدرها اضافه بر بودجه نخواهد شد و هم در این باب مدتی امروز حرف زده ایم باید به يك جائی برسیم و گمان می کنم مجدداً مراجعه بدولت بشود بر گردد ارزش نداشته باشد پس خوب است آقایان موافقت فرمایند که بورتشان این اشخاص تا مدتی که قانون استخدام از مجلس نگذشته است ثلث حقوقشان را بدهند بعد که قانون استخدام گذشت هر طوری که در اینجا معین شده اجرا شود .

مخیر کمیسیون - در این موضوع همانطور که گفته شد کمیسیون بودجه با آقایان و شاهزاده سلیمان میرزا موافقت دارد و در این باره باید کردا کرد دولت لویایچه خودش را برای تجدید پیشنهاد مسترد دارد مطلب تمام است و اگر بخواهد این کار را بکنند پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا را بنده قبول می کنم که بر گردد بکمیسیون تا راجع به ثلث حقوق و تقسیم آن بورتش بحث و مطالعه شود حالا اگر آقای معاون وزارت داخله قبول کرده اند که برای تجدید پیشنهاد لویایچه را مسترد دارند این مطلب يك مشکل دیگری پیدا می کند و اگر می خواهند بموجب پیشنهاد سلیمان میرزا بر گردد بکمیسیون بنده قبول می کنم

رئیس - آقای معیر پیشنهاد را قبول کردند که بر گردد بکمیسیون

مدرس - نزدیک ظهر است اگر جلسه را ختم بفرمایند بهتر است در این موقع جلسه برای نفس تمطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردد

رئیس - يك فقره راپرت کمیسیون بودجه راجع بخیریداری عمارت برای ژنرال قونسولگری بغداد طبع و توزیع شده و چون دولت باین فقره اهمیت می دهد و فوریتش را تقاضا کرده است قرائت می شود و اگر آقایان موافقت حالا مذاکره شود و الا بماند برای جلسه آتی

مدرس - حالا مطرح شود (بضمون ذیل قرائت شد) کمیسیون بودجه لایحه ۱۳۰۲ ر وزارت امور خارجه را راجع بخیریداری عمارت مسکونی ژنرال قونسول ایران در بغداد برای دولت و تقاضای پنجاه هزار روپیه اعتبار تحت مطالعه در آورده و ماده واحد پیشنهادی دولت را تصویب می نماید .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا موافقت

اطاقهای زیاد مخروبه و بی مصرف فقط چیزی که هست کنار شط است و حسن دیگری ندارد و عنقریب خراب خواهد شد مخیر - در اصل موضوع که شاهزاده سلیمان میرزا موافقت کردند که خریداری عمارت برای ژنرال قونسولگری بغداد لازم است ولی اعتراضی که فرمودند اول این بود که این بنا را ملاحظه کرده اند و دیده اند این بنا خوب بنائی نیست و باید اورا خراب کرد و بنده هم قبل از ایشان این بنا را دیده ام و با ایشان موافقم و گویا فرمایش ایشان از این نقطه نظر باشد که این بنا قدیمی است و باید يك بنا بطرز ساختمان های امروز داشته باشیم و نباید از فرمایش ایشان اینطور استفاده بشود که این بنا خراب قابل سکونت نیست و دولت بنایستی درصد خریداری او را بدهد بلکه قابل سکونت هست و باید مختصر تعمیری که بکنند این بنا برای ژنرال قونسولگری کافی خواهد بود دیگر اینکه فرمودند سابق این بنا رهن بود به همین ملاحظه است که دولت هم پیش صورتیکه قیمت آن بیشتر است قیمت قسمت دیگرش هم همان پولی است که بابت رهن داده شده و اینکه ایشان فرمودند ممکن است از این بنا ارزاتر خریده شود این راهم نمی دانم ممکن است یا هست ولی يك مسئله که مسلمی است این است که صاحب این خانه مشتری پیدا کرده و جدا آن را میخواهد بفروشد و دولت مجبور است نسبت باین بنا يك تصمیم فوری اتخاذ کند یا این بنا بفرد یا اینکه او کنار کند و بپروند و مطابق اطلاعاتی که دولت داشت و بکمیسیون اظهار نمود در این دفعه اخیریکه در بین النهرین اتفاق افتاده این ترفی کرده جا هیچ نیست و با نذازه مردم محتاج بجا هستند که با اینکه سابق معمول نبود در بین النهرین بیش از يك خانه دو يك خانه زندگی حالا مجبور شده اند خانه ها را بدهند و يك خانه زندگی میکنند زیرا جمعیت کار زیاد شده و بنا کم است و قیمت آن ترفی کرده و همین ملاحظه هم کمیسیون نظر دولت را تصویب کرده است و ردی هم رفته خوب است این بنا خریداری شود چون يك مقداری پول برای رهن ۳ دانگ این بنا داده شده اما در آن راه دولت می دهد و خریداری می نماید

محمد هاشم میرزا - بنده با دادن اعتبار موافق بودم ولی حالا با این توضیحی که آقای سلیمان میرزا دادند بنده با خرید این بنا مخالفم رئیس - حالا مخالف هستید ؟ محمد هاشم میرزا - بلی رئیس - بفرمایند محمد هاشم میرزا - بنده در اصل خریداری این بنا موافق بودم و در کمیسیون

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

هم رأی داده بودم ولی در جزو دوم که وارد شدیم دیدم مخالف قانون محاسبات عمومی است چون چندین ماده در آن قانون نوشته شده که تمام معاملات دولتی باید بزیاده گذاشته شود ما حق داریم اجازه خریداری خانه بدهیم .

اما خانه معین را که چند اطاق دارد و کجا واقع شده است در صورتیکه آن خانه را ندیده ایم (بعضی از نمایندگان - ما دیده ایم) محمد هاشم میرزا - بنده که ندیده ام و اغلب آقایان هم آن خانه را ندیده اند چه طور می توانیم رأی بدهیم و تشخیص بدهیم ؟ آقا سید یعقوب - آثر آقایان دیده اند اقل آقایان ندیده اند محمد هاشم میرزا - بنده چون ندیده ام عرض می کنم باید بموجب قانون محاسبات عمومی که دوازده سال قبل آن قانون را گذرانیده ایم و حالا فراموش شده دولت باید اعلان مناقصه بدهد که چنین مارتی با چندین اطاق در فلان نقطه لازم دارم و هر کس ارزاتر فروخت از او خریداری نماید و الا قانون محاسبات عمومی را باید نقض کنیم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه) حاج شیخ اسدالله - حضرت والادر کمیسیون بودجه موافق بودند حالا پس از توضیحات شاهزاده مخالف شدند در صورتی که در کمیسیون توضیحات لازم برای خریداری این محل داده شده و کمیسیون بودجه متقاعد شد و رأی داد که خریداری شود و آن این است که در معنی يك محل مناسبی که حفظ حیثیات مملکتی را بکند امروز در بغداد منحصر باین امکان است و بهتر از این مکان برای خریداری نیست و اینکه می فرمایند باید اعلان شود و باید مناقصه گذارده شود این مطابق اطلاعاتی که داریم شده است و مشتریان متعدد برای این خانه پیدا شده و این عمارت را از این قیمتی که الان مشتری دارد زیادتر می خرند چیزیکه هست يك مقدار این خانه در رهن دولت است و مقداری وجه آن را داده و مختصری از وجه آن باقی است باین ملاحظه است که دولت می خواهد این خانه را بفرد . کمیسیون هم تصویب کرده و گمان میکنم آقایانی که تشریف برده و دیده اند و ضمیات این عمارت بهترین وضعیت است و برای ژنرال قونسولگری مکان مناسبی است و

امروز نمی توان در بغداد چنین مکان مناسبی بدست آورد در صورتی که پیدا بشود دو برابر قیمت آن باید پول بدهند و آنوقت هم بهتر از این مکان نمی شود و اینکه می فرمایند باید بنایش خراب بشود و از نو ساخته شود اینطور نیست؟ و جزئی تعمیر امروز کافی است و دولت هم نمی خواهد بنایش را خراب کند و تعمیر بدهد

رئیس - آقای رفعت الدوله موافقت ؟
رفعت الدوله - می خواهم توضیح بدهم که آقایان درست مستحضر شوند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا اجازه

محمد هاشم میرزا - با اینکه بنده خودم اظهار کردم که در اساس موافق بودم و بعد پس از فرمایش شاهزاده سلیمان میرزا مخالف شدم باز آقای حاج شیخ اسدالله سرزنش فرمودند در صورتی که ممکن است بنده در یک مسئله موافق باشم و بعد از یک توضیح و یا تحصیل اطلاع مخالف شوم و بنده در یک رأی که داشته باشم هر کس حرفی بزند که صحیح باشد فوراً قبول می کنم و تصدیق می دارم و سرزنش را هم از کسی نمی پذیرم عرض می کنم قانون محاسبات عمومی در دوازده سال قبل نوشته شده می نویسد کلیه معاملات دولتی باید بزرگ باشد و مناقصه گذاشته شود آقایان می گویند خانه در بغداد منحصر است باین و می خواهند این را بهانه قرار دهند در صورتی که نمی توان گفت در تمام بغداد یک خانه بیشتر برای ژنرال قونسول گری پیدا نمی شود و اینکه گفته شده که بغداد آباد شده و این سبب شده است که دیگر خانه پیدا نمی شود و این مطلب را نمی توان تصدیق بکنم آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند صاحب عمارت بنای خود را بزرگ گذاشته این فایده ندارد و بنده این را عرض نکردم عرض کردم که دولت باید اعلام کند که یک همچین عمارتی دم دجله یا هر کسی که میل اوست لازم دارد و هر کس این طور عمارت دارد اطلاع بدهد تا خریداری نماید آنوقت هر کدام که ارزانتر بود صرفه دولت آنرا بخرد و وارد شدن ما باین جزئیات جز اینکه یک یا دو جلسه خودمان را صرف اینکار بکنیم فایده ندارد دولت در هر نقطه که صلاح می دانند به موجب قانون محاسبات عمومی باید خریداری نماید البته آقایان در خاطر شان نیست که حالت وضع این قانون این بود که در دوره دوم سه جلسه را برای فروش چایارخانه سمنان و دامغان صرف کردیم که به شکل بفروشیم پس از آنکه دو هزار تومان وقت مجلس تلف شد آنوقت نود و شش تومان بیشتر مشتری برای آنجا پیدا شد و این مطلب بود که ما را متذکر کرد و این ماه را در قانون محاسبات عمومی

گذاردند لهذا بنده نمی خواهم آن تجربیات گذشته را تکرار کنم و برخلاف عقیده سابقان در هر چیزی که می خواهم بخریم وقت مجلس و خودمان را تلف کنیم بنابراین عرض کردم معاملات دولت باید بمناقصه و مزایده باشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - عرض میکنم در این سفر اخیریکه ما مشرف شدیم بمقدمات بقدری متأسف بودیم که چطور دولت ایران باین همه اتباع شیعه و باین عظمتی که در بین النهرین دارد و باین همه جمعیت و نفوذ سیاسی و روحانی و اقتصادی که دارد یک محلی برای ژنرال قونسولگری ندارد و قونسول در خانه اجاره می نشیند و همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله اظهار کردند بنده هم تحقیقات کرده ام آنجائی که فعلاً ژنرال قونسولگری است بعقیده بنده خیلی خوب محلی است و قیمتاً هم ارزانتر از همه جا است ما باید در مجلس ملاحظه بکنیم و آنچه را که برای دولت صرفه دار است در نظر بیاوریم و این محل از همه جا برای دولت ارزانتر تمام می شود

محمد هاشم میرزا - اینطور نیست

آقا سید یعقوب - بنده رفته ام و می دانم بنده علماً عرض می کنم شما لایعلم و مادری ولادری با اداری مطابق نمی کند بنده رفته ام و دیده ام در آنجا تحقیق کردم تمام جاهای آنجا را تماشا کردم واقعاً در همان وقت هم در این خیال بودیم و با هم مشورت می کردیم که ما این پول را بدهیم و این محل را بخریم و به همین جهت بنده عرض می کنم خیلی خوب است استقبال کنند این مسئله بگذرد که حیثیت و شرافت ما در بین النهرین محفوظ بماند و ژنرال قونسولگری دولت ایران در بغداد در خانه کرایه به نشیند و آن مقصد را هم که شاه زاده محمد هاشم میرزا فرمودند بزرگوار و مناقصه گذاشته شود حاصل است به جهت این که وقتی که یک قسمت آن رهن دولت ایران شد در مقام این معنائی که شما می فرمائید در آمده و بعقیده بنده این عمارت قیمتش خیلی ارزان و برای دولت از هر چه نافع است

رئیس - آقایان جلیل الملك و اقبال السلطان مخالفند بلی ؟

جلیل الملك - خیر موافقم

رئیس - آقا میرزا شهاب الدین چطور ؟

آقا میرزا شهاب الدین - بنده در اصل موضوع موافقم ولی مثل مسئله نطق شمال نباید دست دولت را بست که نتواند محل دیگری را بخرد باید یک اعتباری به دولت بدهند که یک محلی برای ژنرال

قونسولگری خریداری نماید و هر عمارتی را که خوب است و مناسب دید خریداری نماید و الا اگر بخوایم دولت را مجبور کنیم که یک عمارت مخصوصی را خریداری نماید آنوقت صاحبان عمارت چون می بینند این اعتبار برای این عمارت بخصوص داده شده یک نازهایی می کنند که گرانتر بفروشند و این مطلب هیچ لزومی ندارد

مخبر - بنده اینجا اشکالی نمی بینم که مجلس اعتبارش را تصویب کند ولی در اینجا دولت محل را تعیین کرده و یک اقداماتی بعمل آورده و یک سوابقی در بین بوده و پس از تحقیق پیشنهاد می کند که من اینجا را باسم و رسم می خواهم بخرم وقتی بدون تعیین موضوع یک پیشنهاد می کند باو اعتراض می شود مابین موضوع هم اعتراض میکنند که چرا تعیین موضوع کرده است و بالاخره معلوم نیست تکلیف دولت چیست ؟ دولت یک رویه اتخاذ کرده و مخالف با قانون محاسبات هم نیست چون حافظه حضرت والا شاهزاده محمد هاشم میرزا خیلی زیاد است می خواهم از ایشان بپرسم خانه را به چه قسم بزرگوار و مناقصه می گذارند؟

مناقصه و مزایده در هر ملک و هر زمینی و هر خانه صورت خاصی پیدا می کند آیا تحقیقاتی را که دولت کرده و خانهای دیگری را که دیده و قیمت آنها را تحقیق کرده و حواصیل خودش را باین خانه تطبیق کرده و دیده است آنجا با صرفه تر است این ها مناقصه نیست حالا اگر شما می خواهید بفرمائید خیر مأمور دولت نفهمیده است آن موضوع علیحده است

محمد هاشم میرزا - چون تمسک بنده به قانون محاسبات عمومی است استماع می کنم بفرمائید قرائت شود

رئیس - قانون محاسبات عمومی فعلاً حاضر نیست

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - رای می گیریم بماده واحده آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید می دهند والا کبوجه خواهند داد

وزیر پست و تلگراف - صورت امانات مسروقه پستی

رئیس - رای می گیریم وزیر پست و تلگراف می خواستم عرض کنم که این صورت مسروقه امانات پستی

رئیس - پس از اخذ آراء بفرمائید

در این موقع اخذ آراء بعمل آمد آقایان منتصر الملك و امیر ناصر تعداد نموده نتیجه بقرار ذیل حاصل گردید

عده حضار ۷۲ ورقه سفید علامت قبول ۵۴ ورقه کبود ۳۰ امتناع ۱۶

اسامی آقایان قبول کنندگان

مؤمن السلطنه • مخبر السلطنه • آقا میرزا محمد تقی طباطبائی • احتشام الدوله • میرزا ابراهیم خان ملک آرائی • منتصر الملك • اقبال السلطان • سهام السلطان • میرزا ابوالقاسم خان فیوضات • حاج میرزا عبدالوهاب محقق العلماء • مستشار السلطنه صدر الاسلام • آقا میرزا هاشم آشتیانی امین الشریعه • لسان الملك • حاج شیخ اسدالله محلاتی • حاج میرزا تقی آقا طباطبائی • حاج شیخ محمد حسن • آقا سید فاضل کاشانی • شاهزاده محمد ولی میرزا • ناظم دفتر • حاج نصیر السلطنه آقا میرزا محمد نجات • قوام الدوله • امیر ناصر • آصف الملك • نصیر الدوله آقا میرزا سید محمد حسن کاشانی • بیابان الملك رکن الممالک • بهاء الملك سردار معظم کردستانی • نصیر دیوان • رفعت الدوله • بیان الدوله • جلیل الملك • فتح الدوله عمید الملك • سالار معظم غضنفرخان • آقا میرزا ابراهیم قی • آقا میرزا محمد حسین صدرائی • آقا میرزا طاهر تنکابن • آقا سید یعقوب • آقا سید محمد تین • حاج میرزا علی محمد دولت آبادی • شاهزاده سردار معظم • آقا میرزا علی کازرونی • عدل السلطنه • هداد السلطان خراسانی • آقا سید حسن مدرس • حاج سید محمد باقر دستغیب

اسامی رد کنندگان

شاهزاده سلیمان میرزا • محمد هاشم میرزا • شیخ الاسلام اصفهانی

رئیس - رئیس کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات میتوانند توضیح بدهند کار کمیسیون بکجا رسیده است

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - چون عده جلسات کمیسیون یکروز است و دهنده اعضا هم ناقص است چند اصلی گذشته باید بقیه اعضا انتخاب شوند تا کار را خاتمه دهیم

رئیس - این قانون در برج قوس ۱۰ کمیسیون مراجعه شده و البته خاطر آقایان مستحضرات که باید شش ماه قبل از انقضا دوره تقنینیه قانون انتخابات حاضر باشد تقریباً پنج ماه بیشتر وقت نداریم در این صورت اگر آقایان اعضاء کمیسیون هفته در جلسه نداشته باشند بنده گمان نمی کنم این قانون برای آنوقت حاضر باشد بنابراین کسری اعضاء کمیسیون انتخاب شوند و لااقل هفته دو جلسه داشته باشند

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - اگر انشاء الله الرحمن اعضاء را انتخاب کنند همین هفته یک روز هم که دوشنبه باشد از چهار ساعت بظهر الی ظهر مشغول بشوند در ظرف چهار پنج جلسه حاضر می شود بجهت این که آقایان

ترتیبانش را داده اند

رئیس - حرف دسرس کسرا اعضا کمیسیون ها است حالا چند جلسه بنده اینجا اعلام کرده ام و هنوز موفق نشده ایم ولی تمنای کنم انشاء الله جلسه دیگر کمیسیونها را انتخاب فرمایند آقای آقا میرزا علی کازرونی هم از کمیسیون عرایض و داخله استعفا نموده اند شنبه بجای ایشان در جلسه آتی یک نفر برای کمیسیون باید انتخاب کند و آقایان هم در نظر خواهند گرفت که یک نفر را بجای ایشان برای کمیسیون داخله انتخاب بفرمایند جلسه آینده روز پنجشنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور بقیه شوراول در قانون استخدام آقای وزیر پست و تلگراف (اجازه)

وزیر پست و تلگراف - صورت امانات مسروقه پستی را که وعده کرده بودم تقدیم بلس شورای ملی می نمایم حاضر است

رئیس - بنده تصور کردم می خواستید قرائت بفرمائید

وزیر پست و تلگراف - خیر می خواستم تقدیم کنم

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

مؤمن الملك جلسه ۱۱۵

صورت مشروح مجلس یوم ۵ شنبه بیست و دوم سرطان ۱۳۰۱ مطابق هفدهم ذی قعدة سنه ۱۳۴۰

مجلس دوساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه) محمد هاشم میرزا - بنده مذاکره که بنده کردم راجع باینکه اگر قانون اساسی یکوقت پیشرفت نکرد ممکن است این مطلب هم که پیشنهاد شده پیشرفت نکند شاهزاده سلیمان میرزا از موقع استفاده فرمودند به بنده تعرضاتی کردند و بنده بعد توضیح دادم که باینکه بنده باین قسمت کمال موافقت را دارم ولی در عین حال این مطلب را دعوت بانقلاب و سبب بیجان مردم و اسباب تضعیف دولت می دانم و با مصالح مملکت موافق نیست و این توضیح بنده فراموش شده خوب است نوشته شود

رئیس - یعنی می فرمائید هر چه اینجا گفته می شود باید در صورت مجلس نوشته شود ؟

محمد هاشم میرزا - چون مطلب مهمی بود باید ذکر شود

رئیس - بسیار خوب اضافه می شود

آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - همانطور که فرمودند اگر بنا باشد هر مذاکره اینجا می شود در صورت مجلس نوشته شود گمان می کنم